

راز قتل در عمق دره

سرگرد در حال سروسامان دادن به پرونده‌ها بود تا به مرخصی نوروز برود. امسال در کشیک او ۶۵ قتل رخ داده و توانسته بود راز ۵۷ قتل را فاش کند و معمای هشت جنایت سر به مهر باقی‌مانده بود. در حال نوشتن گزارش پایان سال بود که رئیس اداره قتل با او تماس گرفت و خواست به اتاقش برود. کنش را پوشید و وقتی وارد اتاق شد، با سرهنگ و پیرمردی روبه‌رو شد. سرهنگ بدون مقدمه به پیرمرد اشاره کرد و گفت: این مرد حدود ۲۰ روز قبل، پسرش را در تصادفی از دست داد. از همان زمان مدعی بود که پسرش را کشته‌اند. پرونده‌اش را سروان محمدی رسیدگی کرد و او هم در گزارش خود تصادف را علت مرگ مرد جوان اعلام کرد. می‌دانم از پس فردا مرخصی‌ات شروع می‌شود و سرت هم شلوغ است اما در این دو روزی که هستی به این پرونده هم رسیدگی کن.

سرگرد پرونده را گرفت و همراه پیرمرد به اتاقش برگشت. برگه‌ای روی پرونده گذاشت و رو به پیرمرد گفت: خب پدر جان چرا اصرار داری پسرتر را کشته‌اند؟

پیرمرد قیافه حق به جانبی گرفت و گفت: اصرار ندارم، مطمئنم. او مدتی بود با خانواده همسرش اختلاف داشت. مطمئن هستم که برادران همسرش او را کشته‌اند. وقتی ماشین پسرمد داخل دره سقوط کرد، همسرش زنده ماند و چند خراش برداشت اما پسرمد جان باخت. این با عقل جور در نمی‌آید. غم مرگ بچه سخت است اما این‌که بیینی خونش پایمال می‌شود، سخت‌تر است. از شما می‌خواهم نگذارید، خون پسرمد پایمال شود. - من همه تلاشم را می‌کنم و اگر مورد مشکوکی در پرونده ببینم مطمئن باشید که پیگیری می‌کنم.

شما خوانندگان عزیز برای ما بنویسید که سرگرد بعد از بررسی عکس‌های محل حادثه، خودرو و صحبت با همسر شهروز چطور توانست راز قتل را فاش کند؟ اگر داستان را با دقت بخوانید متوجه می‌شوید. دو دلیل برای افشای راز این پرونده را همراه با نام و نام خانوادگی به شماره ۳۰۰۱۱۲۲۴ پیامک کنید. هر هفته به دو نفر از کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قید قرعه کارت هدیه ۵۰ هزار تومانی اهدا می‌شود

پیرمرد در حالی که از کارآگاه تشکر می‌کرد از اتاق بیرون رفت و سرگرد مطالعه پرونده را آغاز کرد. براساس گزارش پلیس، روز حادثه راننده پژو ۴۰۶ در جاده کن از مسیر اصلی منحرف شده و داخل دره سقوط می‌کند. راننده به نام شهروز جانیش را از دست داده و همسرش زنده می‌ماند.

همسر او در تحقیقات گفته بود: راننده کامیونی که از سمت مقابل می‌آمد، سرپیچ سبقت گرفت و به سمت ما آمد که شوهرم برای فرار از برخورد با او فرمان را چرخاند و ماشین واژگون شد. من از شیشه بیرون پرت شدم و ماشین چندبار غلت زد و به انتهای دره سقوط کرد. سریع با آتش‌نشانی و اورژانس تماس گرفتم و او را از دره خارج کردند اما مرده بود.

سرگرد سپس به بررسی عکس‌های صحنه حادثه پرداخت. سوئیچ کف خودرو افتاده بود، جسد هم‌روی صندلی جلو پشت فرمان بود و رد خون روی صورتش دیده می‌شد. پزشک قانونی علت مرگ را ضربه به سر اعلام کرده بود، رد خون هم نشان می‌داد ضربه شدید بوده است.

سروان محمدی پس از شکایت پدر راننده فوت‌شده از همسر او دوباره تحقیق کرده بود که او درگیری با همسرش را قبول کرده اما مدعی بود این درگیری دلیلی نبوده که بخواهد شوهرش را به قتل برساند. «خانواده شوهرم مخالف ازدواج من و شهروز بودند و با اصرار شوهرم راضی به ازدواج شدند اما دل‌خوشی از من نداشتند. حالا هم که شهروز در تصادف مرده و من زنده مانده‌ام توهم قتل گرفته‌اند و فکرمی‌کنند من شوهرم را کشته‌ام. من عاشق شهروز بودم.»

صبح روز بعد کارآگاه قبل از این‌که به اداره بیاید به پارکینگی که خودرو بعد از تصادف به آنجا منتقل شده بود رفت. سقف خودرو آسیب جدی دیده اما درها سالم بود. در سمت راننده را باز کرد. رد خون روی فرمان و جلوی داشبورد دیده می‌شد. با یکی از دوستانش که کارشناس خودرو بود تماس گرفت و از او خواست به آنجا بیاید که او بعد از بررسی خودرو، دستکاری در سیستم ترمز را رد کرد و گفت: سیستم ترمز ماشین سالم است.

سرگرد وقتی به اداره آگاهی برگشت یکبار دیگر پرونده را بررسی

سرگرد بعد از بررسی صحنه قتل و صحبت‌های سه عضو خانواده متوجه شد، پسر خانواده قاتل است. اگر ادعای مادر و دختر درست بود، باید سر مقتول به سمت در خروجی و پاهایش به سمت ساختمانی می‌بود اما بررسی صحنه خلاف این را نشان داد. رد خون هم نشان داد، درگیری در حیاط خانه رخ داده و مرد معتاد فقط توانسته چند قدم از محل درگیری فاصله بگیرد. در معمای پلیسی گذشته ۱۸۵۳ نفر از خوانندگان تیش شرکت کردند که از این تعداد ۴۷۲ نفر پاسخ صحیح دادند از میان خوانندگانی که پاسخ صحیح دادند، لیلا جمشیدخانی از کرج و محمد حسن زاده از اراک به قید قرعه برنده شدند.

کرد و بعد سراغ سرهنگ رفت و درخواست کرد دستور قضایی برای دستگیری همسر شهروز صادر شود تا از او بازجویی کند. دو ساعت بعد زن جوان همراه مامور زنی به اداره قتل آمد و روبه‌روی سرگرد نشست.

- چرا همسرت را کشتی؟ شما هم تحت‌تأثیر حرف‌های پدرشوهرم قرار گرفته‌اید؟ من شوهرم را نکشتم و مرگ او یک سانحه بود. - وقتی ماشین واژگون شد چطور از خودرو بیرون پرت شدید؟ در حال رفتن به روستایی در انتهای جاده کن بودیم. دوستم آنجا ویلایی دارد. حواس شهروز به موبایلش بود. چندبار به او تذکر دادم اما قبول نکرد. سر یک پیچ، کامیونی که در حال سبقت‌گرفتن بود مقابلمان قرار گرفت. شهروز هل شد و فرمان را چرخاند. خودرو شروع به چرخیدن کرد و از سمت راننده به گارد ریل کنار جاده برخورد کرد و بر اثر ضربه به بیرون پرت شدم و شهروز با خودرو به انتهای دره سقوط کرد. این ماجرا را چندبار تکرار کرده‌ام اما نمی‌دانم چرا باور نمی‌کنید. - چون دروغ می‌گویید. خیلی خوب صحنه‌سازی کرده بودید اما دو اشتباه باعث شد راز این جنایت فاش شود. بهتر است مقاومت نکنید و واقعیت را بگویید. بعد از یک ساعت بازجویی از زن جوان، سرگرد دوباره به اتاق سرهنگ رفت. این‌بار درخواست کرد که دو برادر زن جوان به اتهام قتل شهروز بازداشت شوند.

معاون سابق، متهم فعلی



اکبر اتباعی طبری، معروف به اکبر طبری، مدیرکل اسبق امور مالی و معاون اجرایی پیشین قوه قضاییه یکی از متهمانی بود که امسال محاکمه‌اش خبرساز شد. براساس کیفرخواست، مشارکت در تشکیل شبکه چند نفری در ارتشا، با وصف سردستگی و دریافت رشوه‌های متعدد از افراد مختلف، اتهامات طبری در این پرونده است. ۱۸ خرداد امسال اولین جلسه رسیدگی به پرونده طبری آغاز شد و قضات بعد از چنین جلسه محاکمه او را به اتهام سردستگی شبکه رشوه‌گیری و اخذ رشوه‌های متعدد به ۳۱ سال حبس تعزیری محکوم کردند. طبری به اتهام پولشویی به ۱۲ و نیم سال حبس تعزیری محکوم شد. او همچنین به انفصال دائم از خدمات دولتی، ضبط اموال ناشی از گرفتن رشوه و پرداخت جزای نقدی ۱۲۰ میلیارد تومانی محکوم شد.

ماجرای یک جنایت عاشقانه

محاکمه پسر جوانی به نام آرمان که متهم به قتل دختر مورد علاقه‌اش غزاله است، در سال ۹۹ یکی از محاکمه‌های جنجالی بود. آرمان پیش از این یک بار به جرم قتل مجرم شناخته شد و پرونده به مرحله اجرای حکم هم رسید، اما در لحظه اجرای حکم پدر و مادر غزاله تصمیم گرفتند یک ماه به او فرصت دهند تا حقیقت را بگوید. در ادامه با درخواست اعاده دادرسی، اجرای حکم متوقف شد. ۲۲ شهریور امسال آرمان دوباره



۴ چهره جنجالی در دادگاه

نجفی، طبری، آرمان و حمید صفت چهار نام آشنا برای دنبال‌کنندگان اخبار حوادث و دادگاه‌ها هستند که امسال جلسات محاکمه آنها خبرساز شد؛ متهمانی که با سرنوشت‌های مختلفی بعد از محاکمه روبه‌رو شدند.

محاکمه سه باره شهردار اسبق

۱۴ اردیبهشت امسال، محمدعلی نجفی، شهردار سابق تهران به اتهام قتل میترا استاد - همسر دومش - پای میز محاکمه قرار گرفت. این سومین بار بود که نجفی محاکمه می‌شد. او متهم به قتل همسر دومش در سال ۹۸ است. نجفی بعد از قتل همسرش در حمام خانه در سعادت‌آباد، راهی قم شد و غروب روز قتل به پلیس آگاهی تهران رفت و خود را تسلیم کرد. بعد از محاکمه جنجالی نجفی و صدور حکم قصاص، او توانست رضایت اولیای دم را کسب کند و از جنبه عمومی جرم محاکمه شود. نجفی در این جلسه هم مدعی شد به عمد شلیک نکرده و در جریان درگیری با میترا، انگشتش روی ماشه رفته و شلیک کرده بود. قضات بعد از محاکمه او را به اتهام قتل عمد و از جنبه عمومی جرم به شش سال و نیم حبس محکوم کردند.

